

The characteristics of the position of Imam Mahdi

Received: 2024/05/27

Accepted: 2024/08/26

Hasan Dinpanah*
(211-231)

Imam Mahdi (a.s) - the twelfth Imam of the Shiites - is a figure who is hidden in the veil of occultation and will appear when the conditions and prerequisites for his reappearance are met to establish the promised peace and justice in the world. One of the questions raised is what special role and characteristics does the Imam have that only he can realize the global peace of the end times and others are unable to realize it independently and without his presence. Based on Shiite traditions and teachings, his characteristics can be divided into various dimensions, some of which arise from his position of Imamate. The following article aims to determine and explain these characteristics, using an analytical-documentary method and using verses and traditions. The most important of these characteristics are universal (religious, political) guardianship, creational guardianship, infallibility, justice, special divine knowledge, special creation, divine appointment and election, and the proof of God. The presence of these characteristics in an Imam is necessary and essential for guiding people to happiness.

Keywords: Imamate of Imam Mahdi (AS), Existential Wilayah, Religious Wilayah, Political Wilayah, Infallibility.

*. PhD in Religions, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, hasandinpanah@gmail.com.



ویژگی‌های منبعث از مقام امام مهدی علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

حسن دین پناه*

(۲۳۱-۲۱۱)

چکیده

امام مهدی علیه السلام - امام دوازدهم شیعیان - شخصیتی است که در پرده غیبت نهان است و هنگام فراهم شدن شرایط و مقدمات ظهور، ظاهر خواهد شد تا صلح و عدالت موعود را در جهان برقرار سازد. یکی از پرسش‌های مطرح این است که امام چه نقش و ویژگی خاصی دارد که فقط ایشان می‌تواند تحقق بخش صلح جهانی آخرالزمان باشد و دیگران مستقلاً و بدون وجود ایشان از تحقق آن عاجزند. براساس روایات و آموزه‌های شیعه، ویژگی‌های ایشان را به ابعاد گوناگون می‌توان تقسیم کرد که دسته‌ای از آن‌ها برخاسته از مقام امامت ایشان است. نوشتار پیش‌رو با هدف تعیین و تبیین این ویژگی‌ها، با روش تحلیلی-اسنادی و با استفاده از آیات و روایات به این موضوع پرداخته است. اصلی‌ترین این ویژگی‌ها، ولایت جهانی (دینی، سیاسی)، ولایت تکوینی، عصمت، عدالت، علم ویژه الهی، خلق ویژه، نصب و انتخاب الهی و حجت‌الله هستند که برای هدایت مردم به سعادت، وجود این خصوصیات در امام لازم و ضروری است.

کلیدواژگان: امامت، امام مهدی علیه السلام، ولایت تکوینی، ولایت دینی، ولایت سیاسی، عصمت.

* دانش‌آموخته دکتری ادیان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران، hasandinpanah@gmail.com.

مقدمه

بی‌شک، شناخت امام مهدی علیه السلام که قرار است در عصر ظهور برای جهانیان صلح‌آفرین باشد، اهمیت و ارزش حیاتی دارد. ایشان از لحاظ ماهوی، شخصی است که از حمایت و هدایت الهی برخوردار بوده و قرار است پس از ظهور، حکومت و اراده خدا را به‌طور کامل بر زمین محقق کند. امام مهدی علیه السلام نه تنها بر جامعه بشری، که بر تمام هستی اثر می‌گذارد. ایشان شخصی است که در پرده غیبت نهان است و هنگام فراهم شدن شرایط و مقدمات ظهور، ظاهر خواهد شد.

شناخت امام مهدی علیه السلام - به‌عنوان شخصیتی از پیش تعیین شده و معین - ابعاد گوناگونی دارد. دسته‌ای از آن‌ها مربوط به ویژگی‌های جسمی و روحی ایشان است. تمام صفات ظاهری ایشان نظیر نام، لقب، کنیه، قبیله و تبار، شمایل، سن، خلق و خوی، حالات چهره و حتی ویژگی‌های جسمانی‌اش، به‌طور کامل، دقیق و ریز، همگی در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام به‌صراحت بیان شده است (کورانی ۱۴۱۱، ۴: ۳۵۴-۳۵۵؛ ۵: ۴۴۱-۴۴۷). شرح صفات و شکل ظاهری امام مهدی علیه السلام محل بحث ما نیست و بایستی به منابع مربوطه مراجعه شود.

از دیگر ابعاد شناخت امام مهدی علیه السلام، شناخت ویژگی‌هایی از موعود است که خداوند در ایشان قرار داده است تا به‌وسیله آن‌ها مسئولیت خطیر آخرالزمانی خویش را به انجام برساند. به نظر می‌رسد که می‌توانیم براساس روایات و آموزه‌های امامیه این ویژگی‌ها را به سه دسته تقسیم کنیم:

۱. ویژگی‌هایی نظیر بقیت‌الله و مهدی‌امت که مربوط به شخص امام مهدی علیه السلام می‌باشد؛

۲. ویژگی‌هایی که از مقام امامت ایشان ناشی شده و در تفکر امامیه، تمام امامان دوازده‌گانه این نقش‌ها را دارا هستند؛

۳. ویژگی‌هایی خاص نظیر منجی ملل و مقتدای حضرت عیسی صلی الله علیه و آله بودن است که به‌دلیل شرایط خاص او، به‌نوعی به ایشان به‌عنوان موعود امت‌ها، اختصاص دارد.

شایان ذکر است که هرچند همین ویژگی‌های دسته‌آخر، برآمده از همان ویژگی‌های عامی است که دیگر امامان نیز در آن شریک هستند، ایشان دارای خصوصیات منحصر به فردی نظیر موعود آخرالزمان، مصلح جهان و مجری کامل احکام اسلام و عدالت در جهان است که امامت ایشان را از دیگر امامان ممتاز می‌سازد. با توجه به اینکه امامت امام مهدی (عج) از برجستگی خاصی در اندیشه امامیه برخوردار است، دو دسته‌آخر متفاوت از هم می‌باشند.

از میان دسته‌های ذکر شده، در این نوشتار به دسته‌دوم پرداخته خواهد شد. اساساً این مهم است که روشن شود ایشان به‌عنوان یک امام، چه ویژگی‌های خاصی دارد، که فقط ایشان می‌تواند تحقق‌بخش صلح جهانی آخرالزمان باشد و دیگران مستقلاً و بدون وجود ایشان از تحقق آن عاجز هستند.

از سوی دیگر، شناخت این خصوصیات درباره امام موعود به این دلیل لازم و ضروری است که با این شناخت به عوامل ارتباط انحصاری موعود و صلح جهانی دست می‌یابیم. به عبارت دیگر، امام موعود با وجود این ویژگی‌هاست که پیوند انحصاری با موضوع صلح جهانی آخرالزمان دارد و صلح جهانی فقط در زمان ایشان محقق می‌شود و در غیر زمان ایشان نمی‌تواند محقق شود.

بنابراین، مسئله اصلی این نوشتار آن است که امام مهدی (عج) به‌عنوان یکی از امامان دوازده‌گانه شیعه، دارای چه نقش‌هایی است؟ به عبارت دیگر، مهم‌ترین ویژگی‌های امام مهدی (عج) که از مقام امامت ایشان ناشی شده، کدام‌اند؟ برای پاسخ به این پرسش در این مقاله ویژگی‌هایی که برخاسته از مقام امامت امام مهدی (عج) است، براساس آیات و روایات بررسی و تبیین می‌شوند.

۱. پیشینه‌شناسی بحث

بی‌تردید درباره مطلق ویژگی‌های امام مهدی (عج) پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است، اما با وجود تفحص درباره پیشینه عنوان «ویژگی‌های منبعث از مقام امامت امام مهدی (عج)» در هیچ منبعی، بحثی منسجم و نوشته‌ای مستقل با این عنوان، مشاهده نشد.

نمونه‌هایی از پژوهش‌های مرتبط با این موضوع را می‌توان به صورت غیرمنسجم در مجموعه‌های زیر مشاهده کرد:

۱. دانش‌نامه امام مهدی علیه السلام، تألیف جمعی از پژوهشگران، زیر نظر آیت‌الله محمدی ری‌شهری، که در ده جلد در قالب مقالات به تبیین روایات مهدویت پرداخته‌اند؛

۲. مجموعه مقالات همایش دکترین مهدویت از سال‌های ۱۳۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸ تاکنون، که ده‌ها مقاله در موضوعات گوناگون مهدویت منتشر کرده است.

با وجود این، در هیچ‌یک از آن‌ها، بررسی ویژگی‌های خاص ناشی از مقام امامت امام مهدی علیه السلام، به طور مستقل، روشن و مستند به روایات مهدوی، مورد توجه نبوده است. امیدوارم این اثر نیز بتواند برای جویندگان راه حقیقت، مفید و مؤثر واقع شود.

۲. مفهوم امامت

امامت به معنای ریاست و رهبری جامعه اسلامی در امور دینی و دنیوی در قالب جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (لاهیجی، ۱۳۸۳، ۴۶۱ و ۴۶۲؛ لاهیجی، ۱۳۷۲، ۱۰۷). این آموزه از اصول مذهب شیعه است و اهمیت آن نزد شیعیان باعث شده که آنان «امامیه» لقب گیرند.

نصب امام و وصی پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خداوند، لازم و ضروری است؛ زیرا وجود امام در اطاعت و انقیاد اوامر و نواهی الهی و نیز حل و فصل امور دنیوی مدخلیت دارد و اگر نباشد این امور مهمل و رها گذاشته می‌شود. از این رو، لازم است حاکم و پیشوایی در میان امت وجود داشته باشد تا مصالح و مفاسد دینی را بیان کند، برای اقامه و احیای آموزه‌های دینی و رفع هرگونه ستم و بی‌دینی تلاش کند، هرآینه مردم را به انجام تکالیف الهی و دوری از گناهان هدایت کند و به طور کلی مقدمات حرکت در جهت رستگاری و نجات مردم را فراهم کند (مفید، ۱۴۱۳، ۳۹؛ همو، ۱۴۱۳، ۲۷-۲۹؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۰، ۲۰۵ و ۲۷۶؛ جوادی، ۱۳۶۹، ۱۴۲).

منصب امامت نیز همانند نبوت، لطف الهی برای انسان‌هاست؛ اما براساس قاعده لطف، ضرورت هرکدام به شکل یکسانی تحلیل نمی‌شود و نقش و تأثیر یگانه‌ای هم ندارند. نبوت از جهت نیاز جامعه انسانی به قانون و شریعت، لطف است، اما امامت از جهت نیاز

جامعه بشری به مدیر و زمامدار لطف است. با فرض اینکه قانون و شریعت، به وسیله نبی ابلاغ و در دسترس انسان‌ها قرار گرفته است، مجدداً به قاعده لطف استناد می‌شود تا نیاز به مجری قانون (امام) که آن را در زوایای جامعه، عینیت و حاکمیت بخشد، اثبات شود (حلی، ۱۴۱۳، ۳۴۷ و ۳۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳، اب، ۲۷-۲۹). در حقیقت، پیامبران «علت مُحدثه» دین و امامان «علت مُبقیة» دین هستند. یعنی پیامبران، شریعت جدید را ایجاد می‌کنند و برای باقی ماندن این شریعت به جانشین نیاز است. به همین دلیل است که خداوند در روز غدیر خم به پیامبر فرمودند، اگر جانشین تعیین نکنی، در واقع رسالت الهی را ابلاغ نکردی (مائده: ۶۷).

البته، این گفتار به این معنا نیست که انبیا هیچ نقشی در اجرای شریعت در جامعه نداشتند، بلکه انبیا در آن واحد گاهی دارای شئون متعدد بودند. برای نمونه، رسول اکرم (ص) علاوه بر ابلاغ و تعلیم شریعت به مردم، ریاست و مدیریت اجتماع مسلمانان نیز از دیگر شئون او بود. در مورد امامان نیز علاوه بر اجرا، تبیین و تفسیر درست از قانون الهی نیز مطرح است. حکومت و زمامداری فقط یکی از شاخه‌های کوچک امامت است. در واقع، مهم‌ترین وظیفه امامان در کنار زعامت سیاسی و اجتماعی، تبیین و تفسیر درست و معصومانه از وحی است، وگرنه غرض از بعثت برای هدایت جامعه محقق نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۱۸۰-۱۷۵؛ مطهری، ۱۳۹۰، اب، ۴: ۷۱۵-۷۱۹ و ۷۲۷-۷۲۹).

خاتم پیامبران، حضرت علی (ع) را به «نصّ جلی» و صریحاً با اسم و رسم در حیات خویش به مقام امامت پس از خود، برگزیده و این انتخاب خود را در ملاعام و به‌ویژه در روز عید سعید غدیر خم برای مسلمانان اظهار و اعلان کرده است. شیعیان پس از امام علی (ع)، یازده فرزندش - تا حضرت مهدی (عج) - را به امامت می‌شناسند (مفید، ۱۴۱۳، اب، ۳۸-۴۱). حضرت مهدی (عج) آخرین امام است که در آخرالزمان، پس از یک دوره غیبت، ظهور می‌کند و جهان را پس از آنکه از ستم و بیداد پر شده باشد، از عدل و داد پر خواهد کرد. به اعتقاد آنان، بقای عالم دنیا، بدون وجود امام معصوم، ناممکن است (مفید، ۱۴۱۳، اب، ۳۸؛ حلی، ۱۴۱۳، ۳۷۰)، از این‌رو، پیامبران را جایز نیست تا از ظاهر ساختن امامت غفلت ورزند یا آن را به عامّه و امت واگذار کنند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۶۹).

۳. صفات برخاسته از مقام امامت

همان‌گونه که بیان شد، برخی از ویژگی‌های امام‌مهدی علیه السلام منبعث و برخاسته از مقام امامت امام‌مهدی علیه السلام است و در واقع تمام امامان دوازده‌گانه آن‌ها را دارا هستند. در ادامه، با استفاده از آیات و روایات به بحث و تبیین این ویژگی‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. ولایت امام‌مهدی علیه السلام

از جمله ویژگی‌هایی که در روایات، درباره واقعه ظهور امام‌مهدی علیه السلام آمده، «برقراری ولایت و خلافت الهی» (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۴۸، ح ۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ۳: ۱۵) است.

از مجموع آنچه در روایات درباره ظهور امام‌مهدی علیه السلام، کار عظیم و بی‌سابقه او در عالم و نیز اهداف حکومت او بیان شده است، می‌توان گفت تعبیرهایی نظیر «خروج» (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۱۶۳ و ۴۱۷ و ۴۳۱)، «قیام» (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۹۵ و ۱۶۱ و ۳۰۵)، «بعثت از جانب خدا» (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۱۱۰ و ۱۳۸ و ۱۶۴ و ۴۱۹) که در روایات مهدویت آمده است، ناظر به همین ویژگی است؛ زیرا خداوند متعال ایشان را ذخیره کرده تا با قیام خویش و شکل‌گیری حکومت دینی و سیاسی بی‌سابقه، قوانین الهی را در تمام نقاط جهان فراگیر کند.

واژه «ولایت» در معانی محبت، تصرف (ولایت معنوی و تکوینی)، مرجعیت دینی و زعامت سیاسی (ولایت تشریعی) استعمال شده است (مطهری ۱۳۹۰، ب، ۴: ۷۲۷؛ همو، ۱۳۹۰ الف، ۳: ۲۷۹-۲۷۱). در ادامه، به دو مقام ولایت تکوینی و ولایت دینی و سیاسی امام‌مهدی علیه السلام اشاره می‌شود:

۳-۱-۱. ولایت تکوینی

از میان اقسام ولایت امام‌مهدی علیه السلام، بالاترین و مهم‌ترین مرحله ولایت، ولایت تکوینی (ولاء تصرف یا ولاء معنوی) امام است. مقصود از ولایت تکوینی در واقع نوعی قدرت و تسلط تکوینی بر تمام موجودات جهان و تصرف حقیقی در امور تکوینی است. این ولایت اصالتاً از آن خداست؛ زیرا اصل پیدایش، تغییرات و بقای همه موجودات

به دست خدا و تحت اراده و قدرت اوست؛ از این رو بر تمام موجودات عالم ولایت تکوینی دارد. هم عقلاً و هم شرعاً امکان دارد که خداوند مرتبه‌ای از این ولایت و قدرت در تصرف در کائنات را به خواص از بندگانش عطا کند. از این رو، خدا به برخی از انسان‌هایی که در اثر پیمودن مسیر عبودیت، به مقام قرب الهی و معنویت حاصل از آن نائل می‌شوند، به سبب اظهار رفعت و علو شأن، یا تأیید آن‌ها و اتمام حجت بر دیگران، یا مصالح دیگر، این ولایت را می‌دهد تا در مواردی که فقط مأمورند مأموریت خود را انجام دهند، و در موارد دیگر بر حسب مصالح و جهات ثانوی که در داخل نظام کائنات پیش می‌آید، تصرفاتی بنمایند. بر همین اساس است که خداوند کائنات را مطیع و فرمانبر آن‌ها می‌سازد، تا بر حسب اقتضا و مصلحت، هر تصرفی را که مصلحت دیدند، بنمایند. روایات متواتری دلالت دارند که حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) این ولایت و اذن و قدرت و تصرف در تکوین را دارا هستند، و تصرفات آن‌ها در کائنات به صورت اعجاز و خوارق و کرامت در موارد بسیار، از حقایق مسلم تاریخ است و انکار آن، خردمندانه نیست (ر.ک. مطهری، ۱۳۹۰ الف، ۳: ۲۸۶-۲۸۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۴۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۶۰، ۸۲ و ۸۳).

برای مثال، معجزه نزول وحی و کرامات بسیاری که در تاریخ زندگی پیامبر اکرم (ص) رخ داده، تأثیر امام حسین (ع) بر فکر زُهریر در مسیر کربلا (سیدبن طاووس، ۱۳۴۸، ۷۲)، کشش فوق‌العاده‌ای که در حُرّین یزید ریاحی پیدا شده یا تأثیر امام کاظم (ع) بر زن خواننده زیبا، که هارون برای منحرف ساختن ذهن امام کاظم (ع) به زندان اعزام کرد (مجلسی، ۱۳۷۷، ۲۱۷)، مربوط به این ویژگی هستند.

قرآن کریم این ولایت تکوینی را درباره افراد خاص پذیرفته است؛ نظیر داستان دیدار حضرت موسی (ع) با حضرت خضر، که ایشان مأموریت‌های ویژه‌ای همانند مأموریت‌های ملائکه دارد (کهف: ۶۵). معجزات بسیار حضرت عیسی (ع) مانند زنده کردن مردگان و دادن خبرهای غیبی و شفا دادن بیماران (مریم: ۳۰؛ آل عمران: ۴۹؛ مائده: ۱۱۰ و ۱۱۴)، یا تسلط حضرت داود (ع) بر کوه‌ها و پرندگان (انبیا: ۷۰)، آمدن تخت بلقیس از یمن به فلسطین در چشم‌به‌هم‌زدنی توسط آصف بن برخیا، وصی و وزیر حضرت سلیمان (ع) به نزد او (نمل: ۴۰)، تسلط سلیمان بر باد و شیاطین (ص: ۳۶-۴۰؛ سبأ: ۱۲)، خبر از غیب دادن

یوسف علیه السلام، نمونه‌های بسیار صریح قرآنی برای تصرّفات ولایی انبیا و اولیای الهی است (مطهری، ۱۳۹۰ الف، ۳: ۲۸۶-۲۸۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۴۵). بنابراین، انبیا و اوصیا و اولیای الهی به نسبت درجه وجودی‌شان و تقربّی که به خداوند دارند، به اذن و اراده او، قدرت تصرّف در برخی امور را دارا هستند.

امام مهدی علیه السلام نیز از این ویژگی به طریق اولویت برخوردار است؛ زیرا حکومت بر تمام جهان، تغییر و تحول همه‌جانبه در آن، و اداره و مدیریت تمام هستی و ایجاد عدل و صلح همه‌جانبه در جهان، که پیش‌ازاین سابقه نداشته است، نیاز به قدرت تصرف در امور و سرپرستی تمام موجودات جهان دارد، به‌گونه‌ای که موجودات جهان تابع و فرمانبر او شوند. این‌که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ایشان می‌فرماید: «زمین میوه‌های دل خود (معادن طلا و نقره) را برای او (امام مهدی) بیرون می‌ریزد و کلیدهای خویش را به او می‌سپارد» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۳۸)، به نظر می‌رسد گوشه‌ای از آثار ولایت تکوینی ایشان بر عالم است که در اثر آن، یک تغییر و تحول در عالم مادی ایجاد می‌شود.

۳-۱-۲. ولایت و مرجعیت دینی و سیاسی

از میان معانی بیان‌شده، تبلور کامل دو ویژگی ولایت دینی و سیاسی موعود به پس از ظهور ایشان واگذار شده است. مقام ولایت و مرجعیت دینی، به هر کسی که از جانب خدا اعطا شود، دیگران بایستی او را الگوی دینی اعمال و رفتار خویش قرار دهند. به‌همین دلیل، به این دست از شخصیت‌ها «امام» اطلاق می‌شود. مسئله حکومت، یکی از شئون امامت است، که در بحث ولایت سیاسی تبیین می‌شود و براساس آن، امام باید زمام و اداره امور اجتماعی مردم را به دست گیرد و بر مقدرات مردم مسلط شود (مطهری، ۱۳۹۰، ب، ۴: ۷۲۷؛ همو، ۱۳۹۰ الف، ۳: ۲۷۱-۲۸۲).

مقام مرجعیت دینی و زعامت سیاسی، از سوی خدا در ابتدا به برخی پیامبران نظیر حضرت ابراهیم علیه السلام (بقره: ۱۲۴؛ نساء: ۴)، حضرت داود علیه السلام (ص: ۲۶) و نیز سرانجام به خاتم‌الانبیا (مائده: ۵۵؛ احزاب: ۲۱؛ آل‌عمران: ۳۱؛ حشر: ۷) واگذار شده و پس از ایشان، به اهل بیت معصوم ایشان رسیده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۱۷۸).

موعود امامیه، «خاتم‌الأوصیاء» (آخرین وصی و امام) در سلسله امامان شیعه است. رسول اکرم (ص) فرمودند که خاتم امامان از ماست، که مهدی است و قیام می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۷: ۲۱۳). او مردم جهان را به سوی قرآن کریم و احیای سنت پیامبر اکرم (ص) فرا می‌خواند (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۲۶۵ و ۲۶۷)؛ بر جای پیامبر قدم می‌گذارد، مردم را بر ملت و شریعت پیامبر برپا می‌دارد، و بدون خطا از روش و سنت پیامبر در عمل و مبارزه پیروی می‌کند (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۲۶۶ و ۲۶۷) و دین و معارف آن را از پیرایه‌ها و تفسیرهای نادرست پاک می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ۲: ۴۶).

البته، قلمرو رسالت موعود، گسترده‌تر از اموری است که در زمان پیامبر و دیگر معصومان انجام شد؛ زیرا در زمان موعود، امت پیامبر از نعمتی برخوردار خواهند شد که هرگز آن را در سابق نداشته‌اند (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۲۶۹؛ ۲: ۳۴۷).

امام مهدی (عج) در زمان ظهور، این قسم از ولایت را نیز در جهان محقق خواهد کرد؛ چیزی که دیگر معصومان یا امکان تحقق آن را اصلاً نیافتند یا کمتر زمینه عملی ساختن آن را پیدا کردند. خداوند، سنت خود درباره ذوالقرنین را درباره او جاری می‌کند و شرق و غرب زمین را به‌دستان او فتح می‌فرماید. موضعی از زمین نیست که ذوالقرنین بر آن قدم گذاشته، مگر آنکه موعود نیز بر آن قدم می‌گذارد (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۳۱۹)؛ آنچنان‌که هیچ جایی نماند، مگر آنکه ندای اذان در آن طنین افکند و دین خدا در همه جا حاکم شود (ابن بابویه، ۱۴۱۴، ۹۵). موعود براساس همین ولایتی که از سوی خداوند به او اعطا شده است، در جهت نابودی کامل ظلم، و برپایی همه‌جانبه حکومت عدل و صلح در جهان می‌کوشد.

۲-۳. علم خدادادی امام مهدی (عج)

یکی دیگر از ویژگی‌های امام موعود، برخورداری از علم ویژه خدادادی یعنی علم به تمام امور آسمان‌ها و زمین در گذشته، حال و آینده عالم خلقت (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۲۵۸-۲۶۱) است که از طرق عادی کسب دانش‌های بشری به‌دست نمی‌آید.

غرض خداوند از تشریح دین، ارسال انبیا و نصب امامان، هدایت انسان‌ها به کمال حقیقی و سعادت است. اگر امام، در دو شأن مرجعیت دینی و زعامت سیاسی، از چنین

علمی برخوردار نباشد، نقض غرض لازم می‌آید؛ زیرا انسان‌ها به سعادت و کمال رهنمون نمی‌شوند. از این رو، لازمه شأن مرجعیت دینی، نظیر آگاهی جامع به تمام رموز و اسرار قرآن، وقوف کامل بر شریعت و تمام احکام و قوانین دینی (حتی احکام موضوعات جدید و مستحدث) و آمادگی کامل برای پاسخ‌گویی به شبهات دینی متنوع مردم، بهره‌مندی امام از علم خدادادی است (صفار، ۱۴۰۴، ۱۲۲). افزون‌براین، لازمه توانمندی امام در مدیریت جامعه و اعمال ولایت سیاسی و اجرای صحیح قوانین اسلامی نظیر برپایی نظم اجتماعی، مبارزه با فتنه‌ها و دشمنان، اجرای حدود الهی نیز برخوردار از علم ویژه الهی است (نمل: ۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۵: ۳۶۳).

باتوجه به وظایف بی‌نظیر امام موعود برای اصلاح جهان، وجود چنین علمی در ایشان قطعی است. در روایاتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، از طریق اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده، تصریح شده است که امام موعود از راه تحدیث و الهام فرشته الهی بر قلب ایشان، بر هر آنچه اراده کند، علم پیدا می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۵۳۴).

امام مهدی علیه السلام در غیبت صغری، غالباً به صورت نوشتن توقیع (پاسخ کتبی یا شفاهی یک شخصیت برتر، مانند پیشوای دینی یا نمایندگان ارشد آن‌ها) به نامه‌ها یا درخواست‌ها (شیری، ۱۳۷۵، ۸: ۵۷۵-۵۷۹) و نامه با شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند. حدود یک صد توقیع در منابع حدیثی موجود است که از این میان، قنط دو توقیعی که خطاب به شیخ مفید گزارش شده، مربوط به غیبت کبرا است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ۴: ۱۱۷).

برخی از این توقیعات و مکتوبات، حکایتگر بهره‌مندی امام موعود از علم غیب و لدنی است. برای مثال، یزیدبن عبدالله، مرکب، شمشیر و مالی را برای امام مهدی علیه السلام وصیت کرد و بهای مرکب و دیگر اموال فرستاده شد، ولی شمشیر را نفرستادند. توقیعی از ناحیه امام آمد که «با آنچه فرستاده بودید، شمشیری هم بوده که نرسیده است» (مفید، ۱۴۱۳ الف، ۲: ۳۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۵۲۳).

همچنین مردی از اهل آوه (یا آبه، شهرکی قدیمی نزدیک ساوه که اکنون شهری در جنوب شهرستان ساوه در استان مرکزی ایران است) (شعار، ۱۳۶۷، ۲: ۲۴۷) مالی را آورد تا آن را به امام مهدی علیه السلام برساند، اما شمشیری را که در روستا بود فراموش کرد بیاورد. او

آنچه را با خود آورده بود، فرستاد. توقیعی آمد که «از شمشیری که فراموش کرده‌ای، چه خبر؟» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۵۲۳؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ۲: ۳۶۵). یا ابن عجمی، یک‌سوم دارایی‌اش را برای امام عصر (عج) قرار داد و آن را مکتوب نیز کرد؛ اما پیش از جدا کردن یک‌سوم مالش، مالی را به پسرش ابومقدم داد و هیچ‌کس را از آن آگاه نکرد. امام به او نوشت که «مالی را که برای ابومقدم کنار نهاده‌ای، کجاست؟» یعنی یک‌سوم مال داده‌شده به پسر را نیز باید بدهی؛ زیرا قراردادن یک‌سوم مال برای امام، پیش از آن بوده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۵۲۴).

امام مهدی (عج) در این توقیعات در واقع از اموری خبر داده که مشتمل بر حقوق مالی است و امام با استفاده از علم ویژه الهی از آن‌ها خبر داده است؛ زیرا اگر از علم ویژه خدادادی استفاده نمی‌شد، در واقع حقی ضایع می‌شد و ظلمی صورت می‌گرفت. از این رو، برای برپایی عدالت اجتماعی به تمام معنا، بایستی امام از علم ویژه خدادای نیز استفاده کند.

۳-۳. خلق ویژه امام مهدی (عج)

از جمله ویژگی‌های امام مهدی (عج)، خُلق و خوی ویژه اوست. یکی از ارکان تعالیم اسلام، اخلاق است که شامل دو بخش اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی می‌شود. اخلاق به هر دو بخش آن، چه در موعود باشد یا در دیگر افراد جامعه، در ایجاد عدالت و صلح تأثیرگذار است؛ اما آنچه مهم‌تر و تأثیر آن در ایجاد عدالت و صلح در جامعه نمایان‌تر و بیشتر است، اخلاق اجتماعی اسلام است. اخلاق اجتماعی، آن بخش از ویژگی‌های نفس آدمی است، که منشأ صدور و ظهور رفتارهای اجتماعی، نظیر عدالت، معاشرت نیکو، تقوا، عفو، ایثار، انفاق، پرهیز از توهین و افترا و دشنام به دیگر ملت‌هاست.

هنگامی که امام علی (ع)، مالک‌اشتر را برای اصلاح امور مردم به فرمانداری مصر برمی‌گزیند، در نامه‌ای به ایشان، اخلاق رهبری و روش برخورد با مردم را تصریح می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند (یعنی در

فرمانروایی، با همه انسان‌ها بدون لحاظ دین، نژاد، زبان و وابستگی‌های قومی، معاشرت خوب داشته باش). اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته‌وناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد... به مردم نگو به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود (نفی استبداد)، که این‌گونه خودبزرگ‌بینی، دل را فاسد و دین را پژمرده، و موجب زوال نعمت‌هاست» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: نامه ۵۳).

امام علی علیه السلام اخلاق و رفتار حاکم، و عفو و گذشت او را در ایجاد صلح و آرامش عمومی در جامعه مؤثر می‌داند. اگرچه امام از برخی ویژگی‌های اخلاقی سخن می‌گوید، اما مفاد کلام امام آن است که رعایت تمام احکام اخلاقی موجب گسترش صلح، آرامش و امنیت در جامعه بشری می‌شود. از این رو، امام این امور را به نماینده خود مالک‌اشتر فرمان می‌دهد.

یکی از اسباب پیشرفت اسلام، در حقیقت همان اخلاق نیک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم بود. در قرآن کریم، به نقش اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله در پیشرفت اسلام و جذب دل‌ها تصریح شده است: «پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرم خو [و پر مهر] شدی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران: ۱۵۹). در حدیث نیز آمده است که خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را به مدارای با مردم امر کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۳: ۳۰۳). از این رو، متخلّق شدن به اخلاق خداوندی و تشبّه به رسول خدا، آن است که اهل عقل و ایمان و صاحبان فضیلت و معرفت، با مردم مدارا کنند و بر اذیت‌های آن‌ها صبر کنند و با آنان فروتنی داشته باشند (صدرالمآلهین، ۱۳۸۳، ۱: ۴۷۵). بنابراین، برای ایجاد یک جامعه شایسته و صلح‌آمیز جهانی باید به مردم احترام کرد و با آنان با مدارا و احترام رفتار نمود؛ زیرا نبود مدارا به اختلاف، دشمنی و جنگ می‌انجامد. پس اصل بر مدارا کردن است، اگرچه با آنان اختلاف عقیده و گرایش‌های فکری و سیاسی داشته باشیم؛ مگر با مستکبران و ظالمان که تواضع و نرمش، موجب تقویت روحیه تکبر و تداوم ستمگری آنان می‌شود.

در روایات گوناگون مطرح شده است که موعود در گفتار، خُلق و خَلق (سیرت و سیما) شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱: ۲۵۷؛ ۲: ۴۰۹؛ کورانی،

۱، ۱۴۱۱؛ ۳۲۱: ۴؛ ۱۵۲: ۶؛ ۲۹). در روایتی دیگر نیز آمده است که ایشان به عیسی بن مریم علیه السلام شباهت دارد (کورانی، ۱۴۱۱، ۱: ۳۳۲). موعود با وجود هیبتی که دارد، رابطه‌ای نزدیک با مردم دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۲: ۴۴۴) و اهل احسان، سخاوت، تقوا و پاکیزگی است (طوسی، ۱۴۲۵، ۲۶۶).

یک مسئله جدی برای تکمیل این بحث، تبیین آن دسته از روایاتی است که به برخورد قهرآمیز و غضبناک امام مهدی علیه السلام اشاره دارند. براساس مبنای قرآنی، اصل بر احسان و مدارای امام با تمام گروه‌ها، مکاتب و ادیان است، مگر با دشمنان معاند و مستکبری که عرصه‌های دعوت امام، همزیستی مشترک و گفت‌وگوهای مسالمت‌آمیز ایشان را نادیده گیرند و به مقابله با امام و برنامه‌هایش برخیزند. در این صورت، امام با الگوگیری از معیار قرآنی (فتح: ۲۹) با آنان برخورد خواهد کرد، که البته خاستگاه همین برخورد نیز خُلق ویژه است؛ زیرا اولاً از لوازم مهم التزام امام به ایمان و توحید، مقاومت و دفاع همه‌جانبه از آن در مقابل کسانی است که در صدد تضعیف ایمان و تقویت کفر هستند؛ ثانیاً از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی موعود، که فراوان در روایات مهدوی ذکر شده، عدالت اوست (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱: ۲۹؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۹: ۲۸۲) و لازمه اجرای عدالت همه‌جانبه برای برپایی حکومت الهی، آن‌هم به گستردگی جهان، آن است که موانع برداشته شوند؛ زیرا اگر کاری صورت نگیرد، باز ظلم‌وستم در گوشه‌هایی از جهان و حکومت موعود باقی خواهد ماند؛ ثالثاً چه بسا به‌طور کلی بتوان گفت یکی از مصادیق رأفت و رحمت ویژه امام نسبت به مؤمنان و مظلومان جهان، مقابله قاطع با ظالمان و موانعی است که سر راه دوستان و پیروان ایشان قرار دارند.

بنابراین، ازسویی برای تحقق رفع ظلم و احسان به مظلومان جهان، که محصول آن آرامش، امنیت و صلح جهانی است، چاره‌ای نیست جز آنکه عدالت به‌صورت کامل، که برداشتن موانع از لوازم آن است، تحقق یابد. ازسوی دیگر، این درجه از قهر و غضب، در کمال اخلاقی ویژه امام ریشه دارد و اگر ایشان دارای این کمال اخلاقی نباشد، صلح آن‌گونه که باید و شاید در جهان برقرار نمی‌شود.

۳-۴. عصمت امام مهدی علیه السلام

در نگرش امامیه، امامان، جانشین و خلیفه پیامبر در همه شئون نبوت هستند. اگر آنان همچون پیامبر اسلام از گناه و خطا معصوم و منزّه نمی‌بودند، و صدور خطا و گناه در آنها امکان داشت، در این صورت دیگر جا نداشت که به‌جای وی پیشوا و مقتدا شوند؛ زیرا ممکن بود به‌جای آموزه‌های اسلامی، معارف غیردینی در جامعه اسلامی معرفی و اجرا شود و این امر مانع از رسیدن انسان‌ها به سعادت حقیقی خواهد شد (مطهری، ۱۳۹۰ الف، ۳: ۲۷۹). از این‌رو، امام باید در مقام تبیین احکام الهی و سنت نبوی، از هرگونه انحراف عمدی و سهوی معصوم باشد تا غرض از تشریح احکام و برانگیختن پیامبران - یعنی هدایت انسان‌ها - به‌درستی تحقق یابد.

آیات قرآن نیز بر چنین امری تأکید دارند. برای مثال، درباره آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید، و از پیامبر خدا و اولوالامر خویش فرمان برید» (نساء: ۵۸)، همه مفسران امامیه اتفاق نظر دارند که منظور از «اولوالامر» امامان معصوم می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها سپرده شده است. در این آیه، فرمان امامان معصوم همانند فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بدون هیچ‌گونه قید و شرطی واجب‌الاطاعه است، و این خود دلیل روشنی بر عصمت آنان است؛ زیرا اگر معصوم نباشند، نمی‌توانند به‌نحو مطلق مورد اطاعت باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴: ۳۸۹-۳۹۳). به این دلیل که اگر معصوم از خطا نباشند، هنگامی که مرتکب اشتباهی می‌شوند، خداوند اطاعت آنها را لازم شمرده و پیروی از آنها را در انجام خطا لازم دانسته است، و این نقض غرض الهی است؛ زیرا خدا باوجود اینکه ما را برای رسیدن به سعادت و کمال حقیقی آفریده است، اما ما را به امری فرا خوانده که مانع سعادت می‌شود!

یکی از مهم‌ترین کاستی‌های سازمان‌ها و مکاتب بشری حاضر در جهان، که نمی‌توانند عدالت را اجرا کنند و صلح و امنیت را به‌طور کامل محقق کنند، نقص قانونگذاران و مجریان آن است. برای تحقق صلح جهانی به‌ناچار، اولاً تدوین قوانین کامل و کافی لازم است، و وضع قوانین نیز نیازمند قانونگذاری است که معصوم بوده و بدون نقص یا

کم‌وکاستی، قانونی وضع کند که برای انسان‌ها صلح‌آفرین و سعادت‌بخش باشد، و چنین خصوصیتی را در آخرالزمان فقط در موعود می‌توان سراغ گرفت؛ ثانیاً به حاکمی معصوم نیاز است و موعود به دلیل عصمتی که دارد، بدون هیچ‌گونه خطایی، فرامین و دستورهای الهی را اجرا و مردم را به سوی صلح، امنیت و سعادت رهبری می‌کند.

بنابراین، بخش مهمی از آبادانی، امنیت، رفاه، آسایش، سعادت، توسعه اقتصادی و سیاسی در دوران ظهور، وام‌دار وجود امام معصوم و مصون از هرگونه خطا و اشتباه است؛ زیرا بسیاری از مشکلات بشری ناشی از اشتباهات و نقص‌های انسان‌هاست، که هر قدر هم صلح طلب باشند، چون از خطا و اشتباه مصون نیستند، نمی‌توانند به طور کامل تحقق‌بخش عدالت و صلح باشند. مصلح باید کسی باشد که اولاً از نقص و خطا در اندیشه مصون باشد، و ثانیاً در عمل لحظه‌ای تحت تأثیر هوای نفس قرار نگیرد و هیچ چیزی او را از اجرای عدالت کامل باز ندارد. وجود امام مهدی (عج) به منزله انسان کامل، نقص‌های بشری مربوط به رهبر و حاکم جامعه اسلامی را رفع خواهد کرد.

۳-۵. عدالت امام مهدی (عج)

عدالت امام مهدی (عج) از ویژگی‌هایی است که بارها از جانب معصومان در وصف حضرتش به کار رفته است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ۱: ۲۵۷، ۲۶۲، ۲۸۹، ۳۱۸؛ ۲: ۳۴۲، ۳۶۱، ۳۷۷، ۳۸۳، ۳۸۴). عدالت از شروط امامت است و اگر کسی فاقد چنین ویژگی‌ای باشد، شایستگی تصدی مقام امامت را ندارد؛ زیرا اگر عدالت نباشد، عصمت نیز نخواهد بود. لازمه عصمت امام آن است که تمام صفات کمال نفسانی را - که عدالت از برجسته‌ترین آن‌هاست - دارا باشد. از این رو، اگر امام عادل نباشد، در واقع یا تسلیم ظلم می‌شود، که این از رذایل اخلاقی است، یا به دیگران ستم می‌کند که این از گناهان کبیره است. این هر دو مورد با عصمت مخالف است (بحرانی، ۱۴۱۶، ۱۷۹). به نظر می‌رسد با بیان عصمت به عنوان ویژگی امام مهدی (عج)، دیگر جایی برای بیان تفصیلی ویژگی عدالت نیست؛ هر چند به دلیل اهمیت این ویژگی (عدالت)، ذکر مستقل آن خالی از لطف نیست.

۳-۶. نصب الهی امام مهدی علیه السلام

یکی دیگر از ویژگی‌های موعود، نصب الهی است؛ به این معنا که همانند دیگر پیشوایان الهی، خداوند موعود را برای امامت و هدایت انتخاب و معرفی کرده است؛ با این تفاوت که براساس آیات و روایات، موعود حکومت جهانی عدل و صلح را ایجاد می‌کند که تاکنون در عالم محقق نشده است.

آیاتی از قرآن به این حقیقت که شناسایی و نصب پیشوایان برعهده خداوند است، اشاره دارند: «(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی [نماینده‌ای] قرار خواهم داد» (بقره: ۳۰). خداوند به حضرت ابراهیم می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم» (بقره: ۱۲۴). این موضوع که سرپرستی و ولایت بر مردم باید از طرف خدا باشد، به‌طور عام در آیات دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است: «و (مستضعفان تحت حکومت ظالمان به خداوند عرض کردند: پروردگارا، از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده!» (نساء: ۷۵). تقاضای حضرت موسی برای انجام مأموریت الهی این بود: «پروردگارا، وزیری از خاندانم برای من قرار ده!» (طه: ۲۹).

این آیات بیانگر آن هستند که حق انتخاب و نصب امام و پیشوا به مردم واگذار نشده و برعهده خداوند است. خداوند برای موضوع جعل خلیفه، از فعل ماضی «جَعَلْتُ» یا فعل مضارع «أَجْعَلُ» که بر انجام یک‌باره فعل در گذشته یا در آینده دلالت دارند، استفاده نرموده، بلکه از قالب اسم فاعل «جاعل» استفاده کرده که بر استمرار دائمی این امر تا روز قیامت دلالت دارد؛ یعنی تا روز قیامت انتخاب خلیفه و مجعول در روی زمین به دست خداوند است (حسن‌زاده، ۱۳۷۲، ۱۰۵).

به‌طور کلی، دلیل عقلی بر ضرورت نصب الهی در تعیین امام، آن است که هدف از وجود امام، هدایت انسان‌ها به سعادت و کمال مطلوب است. تحقق سعادت انسان‌ها، متوقف بر شناخت امام با ویژگی‌هایش نظیر عصمت، علم خدادادی و افضلیت است؛ زیرا در غیر این صورت، هدف از وجود امام محقق نمی‌شود. ویژگی‌های یادشده برای امام، از امور درونی و باطنی هستند، که فقط خداوند از درون انسان‌ها خبر دارد و می‌داند چه کسی

افضلیت، و شایستگی امامت و نیز مقام عصمت را داراست و انسان‌ها به دلیل عدم برخوردارگی از علم غیب، توانایی تشخیص معصوم و افضل را ندارند. از این رو، ممکن است فردی را بدون بهره‌مندی از این ویژگی‌ها انتخاب کنند و همین امر زمینه را برای عدم تحقق سعادت حقیقی انسان فراهم می‌سازد.

بنابراین، امام و جانشین پیامبر همانند پیامبر، باید از سوی خدا تعیین شود. پیامبر در این زمینه فقط وظیفه ابلاغ دارد. بر این اساس، جانشینان پیامبر در اندیشه شیعه، به دوازده نفر محدود هستند که در منابع شیعه این مسئله مطرح شده است. برای نمونه، کتاب اصول کافی، ذیل «بَابُ مَا جَاءَ فِي الْإِثْنَيْ عَشَرَ وَ الثَّنْصِّ عَلَيَّهِمْ» بیست روایت با طرق و مضامین گوناگون از پیامبر اکرم (ص) و دیگر امامان، درباره مسئله نص بر امامت دوازده امام، نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱: ۵۳۵-۵۲۵).

۳-۷. حجت‌الله بودن امام مهدی (عج)

«حجت» در لغت به معنای برهان، دلیل و نشانه است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ۲: ۲۲۸) و موعود به این دلیل حجت خداست که برهان و علامتی آشکار بر وجود خدا، صفات خدا، اراده و مشیت خدا و فعل خداست. دلیل بر این معنا، آیات قرآن و روایاتی است که مفهوم حجت را در عرض و همراه مفاهیمی مانند: هدایت، عبادت، تبیین، بینه، تعلیم، ابلاغ و معرفی آورده است. قرآن می‌فرماید: «بگو: دلیل رسا (و قاطع) برای خداست (دلیلی که برای هیچ‌کس بهانه‌ای باقی نمی‌گذارد) و اگر او بخواهد، همه شما را (به اجبار) هدایت می‌کند» (انعام: ۱۴۹).

به فرموده امیرالمؤمنین (ع): «زمین هیچ‌گاه خالی نیست از حجت الهی، که برای خدا با برهان روشن قیام کند، یا آشکار و شناخته‌شده، یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود، و نشانه‌هایشان از میان نرود (شریف الرضی، ۱۳۷۹، حکمت ۱۴۷). در یکی از خطبه‌های ایشان بر منبر کوفه آمده است: «خدایا، ضرورت است تا تو را در زمین حجت‌هایی بر خلاق تو باشد، تا آنان را به دینت رهبری کنند و از دانشت به آن‌ها بیاموزند و پیروان اولیایت - پس از آنکه به وسیله آن حجت هدایتشان فرمودی - گمراه نشوند (کلینی،

۱۴۰۷، ۲: ۱۵۵). امام صادق علیه السلام فرمود: «از آغاز خلقت حضرت آدم تا روز قیامت، زمین هیچ‌گاه از حجت ظاهر و آشکار یا غایب و پنهان، خالی نبوده و نخواهد بود. اگر حجت خدا نبود، خدا عبادت و ستایش نمی‌شد» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۸۶). بنابراین، وجود حجت و برهان الهی در نشان‌دادن حقیقت خدا، ستایش و عبادت خدا، رهبری مردم به دین خدا و گمراه نشدنشان محوریت دارد.

موعود امامیه، در بسیاری از دعاها و روایات با همین لقب «حجت» مشهور و ذکر شده است. هرچند دیگر امامان معصوم نیز از جانب خداوند حجت بر خلق هستند، این لقب چنان به موعود اختصاص دارد که در احادیث هر جا بدون قرینه و شاهد بیان شود، مراد مهدی موعود است. «حجّت‌الله» یعنی غلبه یا سلطنت خداوند بر خلائق؛ زیرا این دو امر به واسطه موعود به ظهور خواهد رسید. نقش خاتم و انگشتر موعود «أنا حجّت‌الله» است و با همین مَهر، در روی زمین حکومت می‌کند (نوری طبرسی، ۱۳۸۶، ۱۰۱).

بنابراین، حجت بودن امام موعود، یعنی خداوند در زمین به طور کامل در قالب اوصاف، احوال، گفتار و افعال ایشان، قیام می‌کند، به گونه‌ای که تاکنون هیچ نبی یا امامی به طور کامل مجال برپایی چنین قیامی را نیافته است. در واقع، احوال و اوصاف امام کاملاً تعبیری از اوصاف خدا در میان مردم است، و حکومت عدل و صلح جهانی را - که مقصود خداوند از تشکیل حکومت‌هاست - به معنای واقعی برپا می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام که نشئت گرفته از مقام امامت ایشان هستند و در واقع تمام امامان دوازده‌گانه این نقش‌ها را دارند، مستند به روایات مهدوی مورد بحث واقع شده است. مهم‌ترین دستاوردهای این نوشتار به این شرح است:

۱. اصلی‌ترین این ویژگی‌ها که براساس آیات قرآن و روایات برای امام مهدی علیه السلام دسته‌بندی شدند، ولایت جهانی (دینی و سیاسی)، ولایت تکوینی، عصمت، عدالت، علم ویژه الهی، خُلق ویژه، نصب و انتخاب الهی و حجت‌الله هستند.
۲. حضرت مهدی علیه السلام به‌عنوان یک امام و زمامدار، برای تبیین و تفسیر درست قوانین

الهی برای مردم، اجرا و حاکمیت قوانین در زوایای جامعه، هدایت مردم به سعادت و کمال و دور کردن آنان از گناهان و شقاوت، لازم است از این ویژگی‌ها برخوردار باشد؛ زیرا در غیر این صورت، حصول رستگاری و نجات برای مردم دشوار خواهد بود.

۳. هدف از وجود امامان - که امام‌مهدی (ع) دوازدهمین آنان است - هدایت انسان‌ها به سعادت، و تحقق سعادت نیز متوقف بر شناخت ایشان با ویژگی‌های بیان‌شده، نظیر عصمت و علم‌خدادادی است. این ویژگی‌ها چون امری درونی و باطنی هستند، فقط خداوند از وجود آن‌ها در افراد خبر دارد. از این رو، امام‌مهدی (ع) باید از سوی خدا تعیین شود نه مردم؛ زیرا مردم به دلیل عدم برخورداری از علم غیب، توانایی تشخیص امام را ندارند و ممکن است با انتخاب فردی نالایق، زمینه عدم تحقق سعادت حقیقی آنان فراهم شود.

۴. لازمه آمادگی کامل امام‌مهدی (ع) برای تحقق شأن مرجعیت دینی، برپایی عدالت و صلح اجتماعی در جامعه، مبارزه با فتنه‌گران و ستمگران و عدم تضییع حقوق انسان‌های مظلوم، قطعاً وجود ویژگی‌های خاصی نظیر عصمت، علم‌خدادادی و اخلاق ویژه است؛ زیرا بسیاری از مشکلات بشری ناشی از اشتباهات و نقص‌های حاکمان است. آن‌ها چون از خطا مصون نیستند، نمی‌توانند به طور کامل مفسر و مجری قوانین دینی و تحقق‌بخش عدالت و صلح در جامعه باشند.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی. تهران، کتابچی.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمه. (علی اکبر غفاری، مصحح). تهران، اسلامیة.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴). الاعتقادات. قم، المؤتمر العالمي للشيخ المفيد.
ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۶). لسان العرب. (امین محمد، مصحح). بیروت، دار احیاء التراث العربی.

بحرانی، ابن میثم (۱۴۱۶). قواعد المرام فی علم الکلام. قم، مکتبه آیت الله المرعشی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). پیرامون وحی و رهبری. تهران، الزهراء.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۲). انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه. قم، قیام.

حلی (۱۴۱۳). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تعلیقات حسن زاده آملی. قم، مؤسسه النشر الإسلامی.

سیدابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸). اللهوف علی قتلی الطفوف. تهران، جهان.

شبیری، محمد جواد و منفرد، افسانه (۱۳۷۵). توقیع. دانشنامه جهان اسلام. تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه. (محمد دشتی، مترجم). قم، مشهور.

شعار، جعفر (۱۳۶۷). آوه. دائره المعارف بزرگ اسلامی. تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

شهرستانی (۱۳۶۴). محمد، الممل و النحل. قم، نشر الشریف الرضی.

صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۶۰). ولایت تکوینی و ولایت تشریعی. قم، مؤسسه الامام المهدي.

صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰). منتخب الاثر فی الإمام الثاني عشر (عليه السلام). قم، مکتبه آیه الله العظمی الصافی گلپایگانی.

صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح أصول الكافي. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع). قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸). شیعه در اسلام. قم، دفتر نشر اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، دفتر نشر اسلامی.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵). الغیبه. قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.

علم الهدی، سید مرتضی (۱۴۱۰). الشافی فی الإمامه، تهران، مؤسسه الصادق (ع).

فیاض لاهیجی (۱۳۸۳). گوهر مراد. تهران، نشر سایه.

فیاض لاهیجی (۱۳۷۲). سرمایه ایمان در اصول اعتقادات. تهران، الزهراء.

کورانی، علی (۱۴۱۱). معجم احادیث الامام المهدی (ع). قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دار الکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۷). زندگانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در بحار الانوار.

(موسی خسروی، مترجم). تهران، اسلامیه.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). دانش نامه امام مهدی (ع). قم، دارالحدیث.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰). انسان شناسی در قرآن. قم، مؤسسه امام خمینی (ع).

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴). حکیمانانه ترین حکومت. قم، مؤسسه امام خمینی (ع).

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ ب). امامت و رهبری. مجموعه آثار، تهران، صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ الف). ولاءها و ولایتها. مجموعه آثار. تهران، صدرا.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ب). الافصاح فی الامامه. قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ت). النکت الاعتقادیه. قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ث). أوائل المقالات فی المذاهب و المختارات. قم، المؤتمر

العالمی للشیخ المفید.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ الف). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم، کنگره شیخ

مفید.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۸۶). نجم ثاقب. قم، مسجد جمکران.